

آموزش انگلیسی با انیمیشن فورکی - قسمت ششم (کامپیوتر چیه؟)

ممکنه سؤال امروز اولش ساده به نظر برسه، ولی وقتی حرف از توضیح دادن به فورکی می‌شه، از اونجایی که خیلی شیطونه و زود حوصله‌ش سر می‌ره، شاید اون قدرها هم ساده نباشه.

توی قسمت ششم، فورکی درتلاشه تا بفهمه کامپیوتر چیه و برای فهمیدن جواب سؤالش، از تریکسی می‌خواد که بهش کمک می‌کنه.

فورکی، تریکسی رو به‌عنوان کسی که خیلی کلیک می‌کنه و همه‌ش پشت کامپیوترش داد می‌زنه معرفی می‌کنه، و ازش می‌پرسه که برای کار با کامپیوتر دانشگاه رفته یا نه. همین‌طور که مکالمه‌شون ادامه پیدا می‌کنه، تریکسی متوجه می‌شه که فورکی توی این مدت داشته برنامه‌های تلویزیونی بریتانیایی مامان بانی رو نگاه می‌کرده، و برای همین هم هست که یه جور عجیب‌وغریبی صحبت می‌کنه. مثلاً، یه جا توی حرف‌هاش، به‌جای trunk (به معنی صندوق عقب ماشین)، از معادل بریتانیایی‌اش، یعنی boot، استفاده می‌کنه.

در ادامه حرف‌هاشون، هرچی تریکسی سعی می‌کنه کامپیوتر رو توصیف کنه، فورکی بیشتر و بیشتر گیج می‌شه و حوصله‌ش سر می‌ره. مثالش رو می‌تونید اینجا ببینید:

تریکسی: کامپیوتر حافظه ذخیره‌سازی و واحد پردازنده داره...

فورکی: بازم گیج شدم.

تریکسی: هوف! کامپیوتر ابزاریه که محاسبه می‌کنه تا...

فورکی: دیگه پاک گیج شدم!

تریکسی: کامپیوتر، یه جعبه هوشمند برای انجام دادن؟

فورکی: نه! هنوزم گیجم—هیچ امیدیه هم نیست حالیم بشه...

اینجاست که تریکسی بی‌خیال می‌شه و قبول می‌کنه که کامپیوتر وسیله‌ایه که باهاش کلیک می‌کنن و روبروی نمایشگر داد می‌زنن (یعنی همون چیزی که فورکی اول گفت)، که البته فورکی هم فقط

منتظر بود همین رو بشنوه! برای همین هم می‌پره روی صفحه‌کلید و شروع می‌کنه به کلیک‌کردن و دادزدن، که یه جورایی تریکسی رو یاد فردِ اِستِر (رقاص، خواننده، و بازیگر آمریکایی) می‌اندازه، احتمالاً به این دلیل که فورکی عملاً داره روی صفحه‌کلید می‌رقصه. فورکی به این کارش ادامه می‌ده تا جایی که صدای بیپ‌بیپ کامپیوتر درمیاد! بله، درسته! فورکی گند می‌زنه و محتویات هارد کامپیوتر تریکسی رو پاک می‌کنه. تریکسی تأکید می‌کنه که کامپیوترش همه‌چیزشه، ولی فورکی سعی می‌کنه متقاعدش کنه که کارکردن با کامپیوتر نمی‌تونه به اندازه حرف‌زدن با دیگران ارزشمند باشه.

به نظرتون تریکسی متقاعد شده؟ معلومه که نه! برای اون کامپیوتر همه‌چیزه!

توی این قسمت نگاهی می‌اندازیم به کلمه‌هایی که فورکی ازشون استفاده کرده. تعدادی از این کلمه‌ها به کامپیوتر مربوط می‌شن. اول بریم سراغ همین دسته از کلمه‌ها.

• click = کلیک‌کردن

• screen = صفحه‌نمایشگر

• storage = حافظه ذخیره‌سازی

• processing unit = واحد پردازنده

• tool = ابزار

• calculation = محاسبه

• hard drive = دیسک سخت

• erase = پاک‌کردن

• soak up = یادگرفتن چیزی به‌سادگی و به‌سرعت

• technical = تخصصی

اگه یادتون باشه، فورکی توی این قسمت از کلمه‌ها و اصطلاحات بریتانیایی هم استفاده کرد. نظرتون چیه چندتا شون رو با هم مرور کنیم؟

• blimey = خاک‌عالم؛ واویلا!

• boot = صندوق عقب ماشین

• kerfuffle = جارو و جنجال

• brassed off = خشمگین و عصبانی

همون طور که می بینید، فورکی از برنامه های تلویزیونی بریتانیایی مامان بانی خیلی تأثیر گرفته و مدام داشت سعی می کرد توی جمله هاش از کلمه های بریتانیایی استفاده و لهجه شون رو تقلید کنه. الکی نیست که دیدن فیلم و سریال رو به زبان آموزها توصیه می کنن!

امیدواریم دیدن فورکی هم همین قدر روی شما تأثیر بذاره!

“What is a computer?”

Today’s question may seem easy at first, but it is not so easy when you try to explain it to Forky, given how handful he is and how easily he gets bored!

In the sixth episode, Forky struggles to understand what a computer is, and to help with that, he asks Trixie to give him a better understanding.

Forky introduces Trixie as someone who clicks a lot and yells at the screen and asks her if she has studied computers at a university. As the conversation continues, Trixie realizes that Forky has been watching Bonnie’s mom’s British TV shows, and that is why he is speaking kind of weird. For example, he uses “boot,” which is the British way of saying “trunk” (of a car).

Further in the conversation, the more Trixie tries to describe computers, the more confused and bored Forky gets. Take the conversation below, for example:

Trixie: A computer has storage and a processing unit...

Forky: Lost again.

Trixie: Ugh! A computer is a tool which makes calculations to...

Forky: So very, very lost!

Trixie: Computer, smart box for doing?

Forky: Nope! I’m still lost—beyond hope of ever being found.

This is where Trixie gives up and admits that with a computer, you just click a lot and yell at the screen, which is all Forky needs to hear! So, he jumps on the keyboard and starts clicking and yelling, which somehow reminds Trixie of Fred Astaire (an American dancer, singer, and actor), probably because he is literally dancing on the keyboard! He continues whatever it is that he is doing until the computer starts beeping. Yes, that is right! Forky makes a mess and erases the contents of Trixie's hard drive. She stresses that computers are everything to her, but Forky tries to convince her that working with a computer cannot be as meaningful as talking to one another.

Do you think Trixie is convinced? Of course not! To her, computers ARE everything!

Forky asked his friend Trixie to help him figure out what a computer is. In this post, we take a look at the words Forky used. Some of these words are related to computers. Let's first have a look at them.

- click = select (an option on an electronic interface) by pressing a button or touching a screen
- screen = the part of a television or computer where the picture or information appears
- storage = the way that information is kept on a computer
- processing unit = the part of computer hardware that processes data
- tool = something that you use to do a particular job
- calculation = when you use numbers to find out an amount, price, or value

- hard drive = the part of a computer where information and programs are stored, consisting of hard disks and the electronic equipment that reads what is stored on them
- erase = to remove information from a computer memory
- soak up = to learn something quickly and easily
- technical = connected with practical knowledge, skills, or methods

If you remember, Forky also used British words and expressions in this episode. What do you say we take a look at some of them? Please note that some of these are informal, everyday words.

- blimey = used to express surprise
- boot = an enclosed space at the back of a car for carrying luggage
- kerfuffle = unnecessary noise and activity
- brassed off = exasperated

As you can see, Forky had been so influenced by Bonnie's mom's British TV shows and was constantly trying to use these words and imitate the British accent. So, it's not for nothing that watching movies and TV series is recommended for English learners!

We hope that Forky influences you in the same way!

